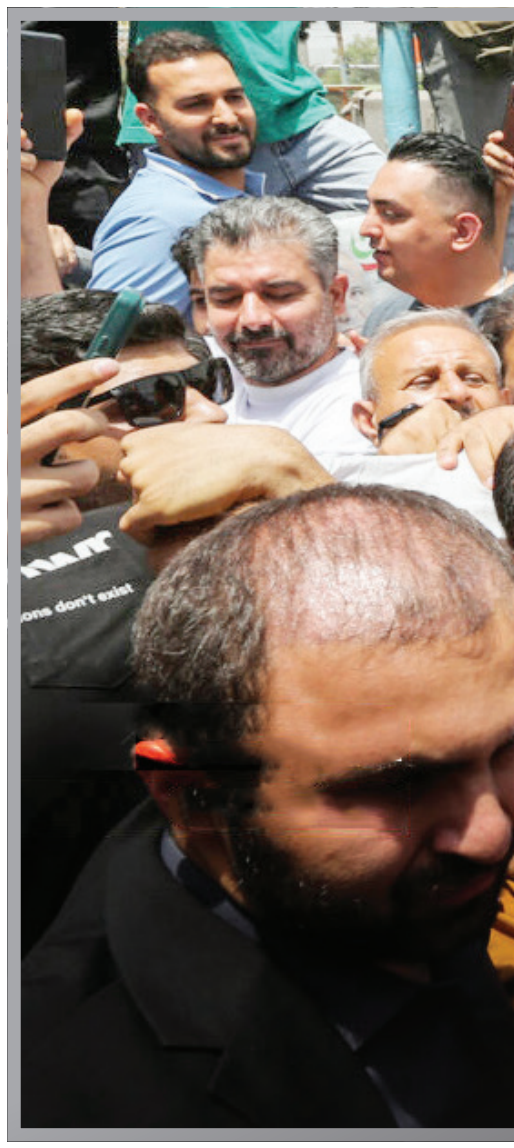

سازشی را برنمی‌تابد. باری متعاقب این انتخابات بعد از دوره نسبتاً طولانی سازش به یک باره جامعه وارد فاز ستیز شد و سازش به‌تدریج رنگ باخت. این ستیز از اینجا آغاز شد که اصلاح‌طلبان کم‌تجربه و کم‌توجه‌به‌واقعیت، بر طبل دگرگونی رادیکال همه چیز می‌کوبیدند از سیاست و فرهنگ و روابط خارجی گرفته تا اقتصاد و حتی رهبری؛ چیزی که به قول هانتینگتون بی‌شباهت به یک انقلاب اجتماعی منهای وجه خشونت‌بار آن نبود.[۴] در مقابل، حاکمیت نیز که به‌شدت از این وضعیت ترسیده بود به‌تدریج فضاهای تنفسی ایشان را بست و متعاقب انتخابات پُرچالش سال ۱۳۸۸ این انسداد را کامل کرد. اگر چه در انتخابات ۱۳۹۲ و ۱۳۹۶ فرصت اندکی برای ورود نیروهای میانه‌رو فراهم شد ولی سیاست ستیز از هر دو سو فروکش نکرد. با انتخابات ۱۴۰۰ ریاست‌جمهوری، حاکمیت هر سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه به طور یک‌دست در اختیار اصولگرایان درون حاکمیت قرار گرفت. تداوم این سیاست ستیز از هر دو سو در نهایت موجب وضعیت کنونی جامعه و انباشت بحران‌های مختلف شده که آشکارترین آنها بحران اقتصادی است. اینک پرسش مهم هم برای حاکمیت یک‌دست و هم برای اصلاح‌طلبانی که دغدغه توسعه و نوسازی کشور و آسایش مردم را داشتند این بود که آیا در بستر این تنازع که از ۱۳۷۶ تا ۱۴۰۳ تداوم داشته جامعه توانسته است توسعه‌ای متناسب چه به لحاظ قدرت سخت و چه قدرت نرم یعنی همراه داشتن مردم را تجربه کند؟ یا برعکس نه‌تنها بحران‌های پیش روی مردم و در رأس آن بحران معیشت و مشکلات اقتصادی کاهش پیدا نکرده بلکه مشروعیت سیاسی نظام نیز به منطقه خطر وارد شده و حتی در انتخابات سال ۱۴۰۲ مجلس شورای اسلامی از لحاظ میزان مشارکت مردم وارد منطقه قرمز نیز شده است؟ نشانگرهای اقتصادی که از قیمت بالای بسیاری از کالاها و خدمات حکایت دارد، در کنار آمار حضور و مشارکت مردم در سه انتخابات پیش از ۱۴۰۳ حکایت از آن دارد که وضعیت آن چنان باب میل مردم و حاکمیت نیست. شاید در انتخاباتی که قاعدتاً باید در ۱۴۰۴ برگزار می‌شد و سانحه سقوط بالگرد حامل رئیس جمهور فقید سیدابراهیم رئیسی و همراهان، آن را یک سال جلو انداخت، حاکمیت به ناگزیر فضایی را باز می‌کرد تا بخش‌هایی که در نتیجه ستیز مذکور در حاشیه قرار گرفته‌اند بتوانند وارد میدان شده و تدبیری برای شرایط کنونی کشور بیاندیشند. هرچند برای تایید بیشتر این فرضیه باید بیشتر منتظر ماند، ولی تأیید صلاحیت و پیروزی نامزد جریان اصلاح‌طلب به‌رغم تلاش‌های بی‌سابقه رقیب که همه قدرت دولتی را در دست داشت و البته به‌رغم رأی ندادن حدود ۵۰ درصد واجدین شرایط، از مؤیدهای مهم این فرضیه است.

۵ اما صرف‌نظر از نتیجه، در این انتخابات دوره جدیدی از فعالیت‌های ناظر به توسعه جامعه از سوی اصلاح‌طلبان آغاز شد و این جریان فکری و سیاسی، تغییر جهت مهمی را در الگوی سیاست‌ورزی خود به سوی سازش تجربه می‌کند. به‌رغم فشار رسانه‌ای مخالفان که بر تحریم انتخابات تأکید داشتند، اصلاح‌طلبان خسته از ۲۷ سال حذف و ستیز این فرصت را مغتنم شمرده و با پذیرش مشارکت در انتخابات، با کوله‌باری از تجربه وارد بازی سیاست شدند چراکه به‌قول اتوفن بیسمارک «سیاست هنر امکان‌پذیرهاست.» در اینجا برنده شدن در انتخابات اولویت دوم و کم‌اهمیت بود، اولویت نخست و مهمتر در پیش گرفتن سیاست‌ورزی نوین ناظر به تعامل و سازش به جای تقابل و ستیز بود. البته برنده شدن در انتخابات و جلب رأی مردم پشتوانه مهمی برای در پیش گرفتن سیاست نوین و تشکیل دولت آشتی ملی است تا به پشتوانه آن اصلاح‌طلبان بتوانند دوره‌ای از سیاست‌ورزی تعاملی ناظر به اجرای قانون، اجماع داخلی، تنش‌زدایی در روابط خارجی و شفافیت و صداقت با مردم را با همکاری حاکمیت با هدف غایی تقلیل بحران‌های داخلی و خارجی و در رأس آنها حل مشکل معیشت و زندگی روزمره مردم در پیش گیرد. البته هنوز موضع عملی حاکمیت جز چند نشانه البته مهم به روشنی مشخص نشده است، اما مهم این است که رهبری و بدنه اصلاح‌طلبان به این دریافت از سیاست‌ورزی رسیده‌اند که حل مشکلات کشور در گرو اتخاذ سیاست تعاملی است و نه تقابلی. برخی از مهمترین وجوه این سیاست جدید به استناد کردار و گفتار نامزد جریان اصلاحات که عمدتاً در خلال مباحثات انتخاباتی و در گفت‌وگو با رقیبان متبلور شد را در قالب پنج مقوله مهم اجرای قانون، کارشناس‌محوری، ایجاد اجماع داخلی، تنش‌زدایی خارجی و شفافیت و راستگویی به شرح زیر مرور می‌کنیم.

۵-۱) اجرای قانون البته در صورت کنار گذاردن اختلافات و حل مشکلات خارجی دال مرکزی گفتمان جدید اصلاح‌طلبی است. نامزد مورد حمایت اصلاح‌طلبان با تأکید فزاینده بر اجرای سیاست‌های کلی نظام و اجرای قانون توسعه بر آن بود که حلقه مفقوده حکمرانی در ایران اجرای قانون است. مسئله‌ای که از زمان مشروطه تا امروز دغدغه همه کنشگران سیاسی، اجتماعی و فکری بوده است. بعد از نخستین گفت‌وگوی تلویزیونی ایشان و تأکیدات فراوان او بر دو نکته «اجرای سیاست‌های کلی نظام و رهبری» و «استناد زیاد به نهج‌البلاغه و آیات قرآن» فضای مجازی با رویکردی انتقادی او را حتی نامزد حاکمیت دانست و این همه کوشش برای نزدیکی گفتمان اصلاح‌طلبی به حاکمیت را ضروری نمی‌دانستند. عمدتاً این موضع انتقادی طرفداران بدان دلیل بود که هنوز ابعاد رویکرد تعاملی او ادراک نشده بود؛ درواقع او به‌دنبال تقابل نبود بلکه گونه جدیدی از سیاست‌ورزی را در پیش گرفته بود که خلاصه آن سازش در برابر ستیز بود. او تعمداً هر دو نکته را تا آخر پیش برد. نکته جالب این بود که استناد او به آیات قرآن و تسلط بی‌نظیرش بر نهج‌البلاغه امام علی(ع)، درحالی‌که رقبای او اغلب از این‌گونه استنادات مذهبی پرهیز داشتند، او را در انظار مخاطبان شخصیتی صادق و به دور از دورویی معرفی کرد. هدف او از این تکرار که به‌زعم برخی موجب ریزش آرای او می‌شد، یافتن معیاری برای برقراری آشتی میان جریان‌های مختلف سیاسی بود که طی دهه‌ها رویکردی تخاصمی در پیش گرفته بودند. سیاست‌های کلی نظام فصل مشترک سیاست‌های برنامه‌ای همه نیروهای سیاسی معتقد به قانون اساسی در ایران امروز است و نهج‌البلاغه و قرآن فصل مشترک اعتقادی همه آنها. او با این تأکید می‌خواست نشان دهد هم مبانی اعتقادی مشترک است و هم مبادی حقوقی و قانونی. آنچه موجب تفرقه شده، منیّت‌ها و فردگرایی‌های منفی است که البته یک آفت تاریخی در ایران است.

۵-۲) احاله همه امور مهم و زیربنایی به کارشناسی وجه مهم دیگر گفتمان جدیدی است که پزشکیان به‌خوبی آن را نمایندگی کرد. تأکید مکرر و بی‌انقطاع او بر ارجاع امور به کارشناسی، چهره دیگری از سیاست‌ورزی در ایران را نشان داد. در ایران سیاست‌ورزی همواره معادل قهرمان‌سازی و گاه مقدس‌سازی افراد و شخصیت‌ها بوده است به‌طوری که واژه «نمی‌دانم» نوعی ضعف و سست عنصری محسوب می‌شود. پزشکیان به‌رغم آنکه رقبای انتخاباتی او مهمترین نقطه ضعف او را همین تأکیدات فراوان بر منطق کارشناسی دانسته و او را فاقد برنامه، فاقد نظر خاص درباره همه امور معرفی می‌کردند، اما حتی یک لحظه از این گفتار کلیدی خود کوتاه نیامد و بر آن بود که منطق کارشناسی در دنیای وسیع، گسترده و به‌شدت تخصصی‌شده امروز جزء ضروری همه فعالیت‌هاست خواه یک جراحی ساده قلب، خواه امر فراگیر، مهم و پیچیده حکمرانی. بنابراین شاید با این رویکرد باید در گفتمان اصلاح‌طلبی جدید، اسطوره حکمران همه‌چیزدان را به فراموشی سپرد و جای آن را با تخصص‌گرایی و کارشناس محوری پر کرد. طبعاً این کارشناس‌گرایی نقش رسانه‌ها و منتقدان را برجسته و پُررنگ خواهد کرد. هر کسی حق دارد در مورد سیاست‌های اجرایی، مباحث پارلمانی و احکام قضائی نقطه‌نظرات کارشناسی خود را در عرصه عمومی مطرح نماید و شاید این مجال خوبی برای رهایی بسیاری از منتقدانی باشد که از آزادی بهره‌مند نیستند.

۵-۳) کوشش برای اجماع‌سازی وجه دیگر گفتمان نوظهوری است که در این انتخابات کلید خورد و امید می‌رود او و جریانات سیاسی بتوانند بر اختلافات فائق آیند و راهی برای حل بحران‌های متداخل کنونی پیدا کنند. پزشکیان در مناظره‌ها و گفت‌وگوهای وسیع رادیو و تلویزیونی بسیار کوشید تا از وارد شدن به درگیری‌های کلامی غیرضرور و مبتنی بر منطق ستیز پرهیز کند و تا حدود زیادی در این استراتژی موفق نیز بود. اتخاذ چنین موضعی و نیفتادن در دام رویکرد تقابلی، حکایت از همین منطق و عقلانیت موقعیت دارد. چنانچه در مشکلی که در برنامه گفت‌وگوی فرهنگی پیش آمد بسیاری از منتقدان در فضای مجازی بر آن بودند که او باید دفاعی جانانه از همکارش می‌کرد، اما دفاع منطقی و ملایم او با این گزاره که «بگذارید حرفش را بزند» پیام مهمی هم به خودی‌ها بود و هم به رقیب و آن اینکه من منادی دوره جدیدی از سیاست‌ورزی مبتنی بر تعامل و گفت‌وگو هستم. حتی اینجا که منافع خودم نیز اقتضا می‌کند می‌کوشم تا از این منطق محافظت کنم. در فضای گاهاً تند مناظرات انتخاباتی نیز هرگز عصبی نشد و همچنان مشی گفت‌وگوی توأم با ادب و تساهل را ادامه داد. به نظر می‌رسد که او تعمداً درصدد فرهنگ‌سازی برای طرفداران خود و رقیب بود؛ به‌طوری که حتی رقبای او نیز می‌توانستند این رویکرد را شروع جدیدی در عرصه سیاست‌ورزی و مشاجرات جناح‌های سیاسی تلقی کنند. سیاست‌ورزی که حل مشکلات فراوان امروز ایران را تنها در گرو تعامل و تقلیل رویکردهای آنتاگونیستی می‌داند. نکته قابل ذکر دیگر اینکه در فرهنگ سیاسی ما از گذشته تاکنون احترام زیادی برای رقیب سیاسی قائل نشده‌اند، چنانچه در فضاهای انتخابی به‌ویژه از زمانی که ستیز جای سازش را گرفت، بخش مهمی از فعالیت ستادها اتخاذ رویکردهای تخریبی برضد رقیبان بوده است. تا حدی که گاهی حتی طرفداران دو نامزد از یک جناح سیاسی نیز همدیگر را با تندترین برخوردها مخاطب قرار داده و خانواده و حریم خصوصی ایشان را نیز از گزند تخریب ایمن نگه نداشته‌اند. اما لازمه اتخاذ رویکرد تعاملی و سازشگرانه نه‌تنها پرهیز از این‌گونه رفتارها بود بلکه برعکس احترام به دیدگاه و نظرات رقبای فکری است. او به استناد آیات و روایات دینی و ضرب‌المثل‌های ایرانی رفتار تقابلی را حتی مناسب دشمن نیز نمی‌دانست. چنانچه در موردی با ارجاع به شعری از حافظ «آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است/ با دوستان مروت با دشمنان مدارا» حتی دشمنان را شایسته مدارا می‌دانست، چه رسد به رقبای فکری. این بیت معنای عمیقی دارد، چراکه برای حافظ زندگی دو عرصه بسیار مهم دارد، آسایش و آرامش. آسایش بیشتر بر وجوه عینی و مادی زندگی استوار است و آرامش بر وجوه معنوی و ذهنی زندگی. اینک حافظ اصلاح وجوه عینی جامعه را مستلزم رعایت قانونی دوگانه می‌داند؛ انصاف و مهربانی با دوستان و مدارا و تحمل دشمنان. این بدان معناست که آسایش فردی و اجتماعی و چه‌بسا آرامش فردی و جمعی نیز مستلزم توجه به این قانون مهم زندگی است. اینک رویکرد جدید پزشکیان شاید می‌خواهد پایانی بر خصومت‌ها بگذارد و آرامش و آسایش مردم ایران را در گرو کنار نهادن این رویکرد تهاجمی و تخاصمی و تشویق حریف به تعامل و گفت‌وگو می‌داند.

۵-۴) گفتمان جدید سازش‌محور او در عرصه روابط خارجی نیز بر تنش‌زدایی استوار بود. او البته این را با منطقی کاربردی پیش می‌برد به این معنا که اگر به‌دنبال رفع فقر، برابری در فرصت‌های اقتصادی و حمایت از طبقات پائین جامعه هستیم باید رویکرد تخاصمی و تنش‌زا با جهان را به رویکرد تعاملی تبدیل کرد. این رویکرد تعاملی محور اصلاحات خود را رفع نابرابری و به‌خصوص توجه به اقشار پایین جامعه قرار داد. جالب اینکه مخاطبان نیز خیلی سریع این تحول را متوجه شدند. رای نسبتاً بالای پزشکیان در برخی نقاط دوردست، روستاها و مناطق فقیرنشین حکایت از فهم این رویکرد از سوی طبقات مذکور دارد. این رأی‌ها تاحدی این فرضیه را نیز باطل کرد که اصلاح‌طلبان جریانی صرفاً متعلق به طبقه متوسط هستند. در اینجا طبقات ضعیف جامعه نیز به ایشان اعتماد کرده و جایگاه مهمی برای خود در ذهنیت نخبگان اصلاحات تدارک دیده‌اند. این تحول وظیفه این جریان فکری را در کنش‌های بعدی سنگین‌تر می‌کند. معمولاً به لحاظ جامعه‌شناسی سیاسی طبقات روستایی بیشتر ماهیت محافظه‌کار دارند و از کنش‌های رادیکال پرهیز می‌کنند. به نظر می‌رسد در کنار سادگی و صداقت پزشکیان آنچه اعتماد این طبقه را جلب کرد اتخاذ رویکرد تعاملی پزشکیان و تأکید بر پایان دادن به دعواهای داخلی و خارجی و پیگیری مطالبات مردم در فضایی آرام و به دور از تنش است. از دید پزشکیان تعامل با دنیا از طریق تنش‌زدایی در چارچوب سه اصل اعلامی جمهوری اسلامی یعنی حکمت، عزت و مصلحت انجام خواهد شد. او در این سه‌گانه اصل مصلحت را اصل فراموش‌شده می‌داند و با تأکیدات مکرر برآن است که رعایت مصلحت زندگی مردم اصلی است که باید به واسطه آن قفل‌های روابط بین‌الملل را باز کرد. تأکید ایشان به نحو خاص بر به نتیجه رساندن برجام بود که هر چند در دولت روحانی منعقد شده ولی دولت ترامپ از آن خارج شده بود اما دولت آیت‌الله رئیسی نیز به دنبال احیای آن بود و حل مشکل FATF با هدف باز شدن پنجره ایران رو به جهان و جهان رو به ایران برای حضور فعال‌تر در عرصه تجارت جهانی است.

۵-۵) مردم‌داری مبتنی بر راستی و شفافیت وجه دیگر این گفتمان است. کلیدواژه پزشکیان در این زمینه گزاره مهم «من دروغ نخواهم گفت» بود. او بر آن بود که رفتار صادقانه با مردم موجب اعتماد آنها به دولت و ترمیم شکاف دولت و ملت شده و باعث می‌شود تا ملت در کنار دولت سختی اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه را بپذیرند. به نظر او اگر تبعات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... اجرای یک سیاست در هر دو عرصه داخلی و بین‌المللی بدون پرده‌پوشی ابهام و به‌طور صادقانه و البته با لحاظ ابعاد امنیت ملی آن با ملت در میان گذاشته‌شود، آنها مهمترین پشتیبان اجرای آن سیاست خواهند بود.

۶ به‌عنوان نتیجه‌گیری می‌توان گفت که رویکرد جدید سیاست‌ورزی با تکیه بر پنج مقوله پیش‌گفته چراغ راه گفتمان جدید و دولت برآمده از آن خواهد بود. قانون به‌عنوان گم‌شده سنت حکمرانی در ایران دوره معاصر باید وجه پیونددهنده همه فعالان عرصه سیاسی باشد. کنار گذاردن نزاع‌های بی‌حاصل و طولانی‌مدت که بخش اصلی وضعیت کنونی و بحران‌های متداخل ایران محصول آن است باید به کناری نهاده شده و اجماع برای توسعه ایران کلیدواژه مشترک همه نیروهای سیاسی شود. مسئولیت‌های تخصصی باید توسط نیروهای کارشناس و متخصص اداره شده و مفهوم مدیر همه‌چیزدان جای خود را به مدیر کارشناس بدهد چراکه حل مسائل امروز ایران در پرتو شناخت علمی ابعاد مسئله است. اصرارهای غیرواقعی و آرمانگرایی‌های بی‌ارتباط با واقعیت، در نهایت ترجیحاتی شخصی هستند که نمی‌توانند گرهی از مشکلات امروز ایران باز کنند. اصلاح پنجره بیرونی ایران و تداوم سنت گفت‌وگو و تعامل فرهنگی، سیاسی و اقتصادی با دولت‌های منطقه و همسایگان و البته تعاملات جهانی کلید حل مشکلات داخلی است. بنابراین اتخاذ و تداوم سیاست خارجی تعاملی و تنش‌زدا از مهمترین ارکان گفتمان جدید برای توسعه ایران است. بی‌گمان همه اینها باید با محرم انگاشتن مردم و ارائه گزارش‌های مستمر، شفاف و صادقانه با مردم انجام شود. اصول پنج‌گانه‌ای که حاصل جمع آنها سازش در داخل، تعامل در بیرون، صداقت با مردم، سپردن کارها به اهل آن و فصل‌الخطاب بودن قانون خواهد بود. در کتیبه‌های ایران باستان این دعا رواج عمومی داشت که «خدایا این کشور را راستی، آبادانی و دوستی‌بخش و آن را از دروغ، خشکسالی و دشمنی پاسداری کن.» امیدوارم ایران امروز نیز با تلاش همه مردم و زمامداران و تکیه بر راستی و صداقت راه دشوار توسعه را به‌تدریج طی کند.

ستیز از اینجا آغاز شد که اصلاح‌طلبان کم‌تجربه و کم‌توجه به واقعیت، بر طبل دگرگونی رادیکال همه چیز می‌کوبیدند از سیاست و فرهنگ و روابط خارجی گرفته تا اقتصاد و حتی رهبری؛ چیزی که به قول هانتینگتون بی‌شباهت به یک انقلاب اجتماعی منهای وجه خشونت‌بار آن نبود. در مقابل، حاکمیت نیز که به‌شدت از این وضعیت ترسیده بود به‌تدریج فضاهای تنفسی ایشان را بست و متعاقب انتخابات پُرچالش سال ۱۳۸۸ این انسداد را کامل کرد

پی‌نوشت‌ها:

1- Francisco Rojas Aravena, ed. (2019). The Difficult Task of Peace: Crisis, Fragility and Conflict in an Uncertain World. Springer International Publishing. P.134 and 164.

۲-محمدعلی همایون کاتوزیان(۱۴۰۱). تضاد دولت و ملت؛ نظریه تاریخ و سیاست در ایران. ترجمه علی‌رضا طیب. چاپ چهاردهم. تهران: نشر نی. فصل دوم.

۳-برای بحث با جزییات بیشتر در این مورد مراجعه کنید به: سعید برزین(۱۳۷۷). جناح بندی سیاسی در ایران از دهه ۱۳۶۰ تا دوم خرداد ۱۳۷۶. تهران: نشر مرکز ص۴۸-۹۴

۴-هانتینگتون می‌گوید انقلاب عبارت است از «هرگونه جابه‌جایی سریع، بنیادین و خشونت بار در نهادهای حقوقی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و دستگاهای رهبری جامعه»

John Foran, ed. (2003). The Future of Revolutions: Rethinking Radical Change in the Age of Globalization. Bloomsbury Academic. Pp 20-21.

نگاه تحلیلگر

لزوم گسترس نگاه تعامل‌جو

محمدجواد غلامرضاکاشی
استاد علوم سیاسی دانشگاه علامه

جشن پیروزی برای مسعود پزشکیان بدون توجه به تحریم‌کنندگان انتخابات رونق نخواهد گرفت. سیاست تعامل و رفاقت نباید به درون نظام منحصر شود. بدون توجه به تحریم‌کنندگان، سیاست تعامل به سیاست نشستن بر سر سفره قدرت نزول خواهد کرد. نگاه تعامل‌جو باید از سطح جناح‌های درونی نظام به سطح ملی و از سطح ملی به سطح فراملی ارتقاء پیدا کند.

تحریم‌کنندگان سه گروه‌اند. تعامل با هر یک خط مشی جداگانه طلب می‌کند. گروه اول به تحریم به مثابه یک منازعه‌جویی سیاسی می‌نگرند. امید دارند تحریم منجر به تحولات رادیکال شود. گروه دوم از تحریم مقصودی ندارند، صرفاً در فضای بغض پس از اعتراضات ۱۴۰۱ به سر می‌برند. گروه سوم که از همه پرشمارترند کسانی هستند که انتخابات را یک مناسک بی‌معنی یافته‌اند و میلی در خود برای مشارکت نمی‌یابند. این سه گروه با همه تفاوت‌هایشان در یک صف ایستاده‌اند و با چشم‌های شیشه‌ای و گاه اشک‌بار به مناسک شادی و جشن انتخابات می‌نگرند. توفیق سیاست تعامل‌جو در درون حلقه قدرت، بدون تعامل با این گروه‌های کثیر مردمی ناممکن است.

دولت پزشکیان باید به تحریم‌کنندگان سیاسی ثابت کند، مسیر تحولات مطلوب‌شان را می‌توانند از طریق مشارکت در انتخابات پی بگیرند. به دو شرط: اول اینکه هیچ تحول رادیکالی یک‌شبه انجام‌شدنی نیست. دوم اینکه تحول‌خواهی رادیکال مدعیان دیگر هم دارد. یکی از آنها جناح‌هایی در درون خود حکومت است. بنابراین در پیشبرد خواست خود، دیگر مدعیان را هم باید مدنظر قرار دهد. فضاهای فکری و فرهنگی دوران دولت پزشکیان می‌تواند فضای گفت‌وگو و تعامل میان طرح‌های گوناگون تحول رادیکال باشد.

جامعه ایرانی نیازمند التیام زخم‌های ناشی از طرد و خشونت و سرکوب سالیان پیشین است. سال‌هاست ماشین نفرت و طرد و انکار چشمه‌های دگردوستی و مهر را در این سرزمین خشکانده است. گروه دوم تحریم‌کنندگان نیازمند رویت چهره تازه‌ای از حکومت و حیات سیاسی‌اند. دولت پزشکیان باید بتواند متولی چنین تحولی در ساختار نظام سیاسی باشد.

تعامل با گروه سوم تحریم‌کنندگان از همه دشوارتر است. برای این گروه، صندوق معنای خود را از دست داده است. هر چه تلاش کنی، باور نمی‌کنند این و آن نامزد ریاست‌جمهوری با هم تفاوت دارند. این آگاهی کلیشه‌شده، حاصل چند دور انتخابات پرشور پیشین است. در روز انتخابات با هزاران آرزو و شوق حاضر می‌شدند اما چندی که می‌گذشت همه چیز به روال سابق باز می‌گشت. تفاوت‌ها باید ملموس شوند تا صندوق معنای خود را بازیابد. تعامل با این گروه تنها با معنادار کردن انتخاب مردم و خواست‌شان برای تغییرات معقول امکان‌پذیر است. پشت یک سیاست تعامل‌جوی اصیل، باور به کثرت تقلیل‌ناپذیر جامعه ایرانی است. سیاستمدار تعامل‌جو باید بازیگر صحنه پیچیده توازن‌بخشی میان کثرت تمایلات و خواست‌های سیاسی کثیر باشد و الا تعامل از سطح لفاظی‌های سیاسی فراتر نخواهد رفت و در انتخابات بعدی قهر عمیق و افزون‌تری را تجربه خواهیم کرد.

چهره

پیروزی و مسئولیت سنگین

محمد توسلی، دبیرکل سابق نهضت آزادی در صفحه توئیتر خود نوشت: «از پیروزی دکتر پزشکیان باید استقبال و پیگیری شود، زیرا اگر علت تأیید صلاحیت ایشان واکنش به عدم مشارکت اعتراضی مردم در سه انتخابات گذشته و ضرورت گرم کردن تنور انتخابات و افزایش مشارکت بوده، مسئولیت دولت ایشان و جامعه مدنی برای پیگیری مطالبات قانونی و برحق ملت ایران بسیار سنگین است.»